

دوره پازدهم قانون گذاری

جلسه ۱۱

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

بانتظام متن قوانین

پنجشنبه ۶ آبان ماه ۱۳۱۶

شماره مسلسل - ۸۰۰

چاپخانه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۶ آبان ماه ۱۳۱۶ *

فهرست مطالب

- | | |
|--|--|
| ۱ - تصویب صورت مجلس | ۳ - تقدیم یک فقره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه |
| ۲ - شوردوم گزارش کمیسیون داخله راجع به تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران | ۴ - بقیه شوراول لایحه مالیات برارث و انتقالات بلاعوض |
| | ۵ - موقع دستور جلسه بعد - ختم جلسه |

(مجلس دو ساعت و چهل دقیقه پیش از ظهر بریاست آقای اسفندیاری تشکیل گردید)

صورت مجلس یکشنبه ۲ آبان ماه را آقای مؤید احدی (منشی) قرائت نمودند **

- | | |
|---|--|
| کشور مطرح است لایحه هم طبع و توزیع شده است . ماده اول قرائت میشود . | ۱ - تصویب صورت مجلس]
رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؟ آقای رضوی رضوی - آقای حاج غلامحسین ملک رادر صورت جلسه غایب بی اجازه نوشته اند ایشان کسالت داشته و شرحی هم بوسیله بنده حضور مبارک عرض کرده بودند که تقدیم کردم تقاضا میکنم مراجعه فرمائید و مقرر فرمائید اصلاح شود . |
| تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخش داران ماده ۱ - کشور ایران مطابق نقشه و صورت ضمیمه به شش استان و پنجاه شهرستان تقسیم میشود هر استان مرکب از چند شهرستان و هر شهرستان مرکب از چند بخش و هر بخش مرکب از چند دهستان و هر دهستان مرکب از چند قصبه و ده خواهد بود . | رئیس - رجوع میشود بکمیسیون . در صورت مجلس نظری نیست ؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس تصویب شد [۳- شوردوم گزارش کمیسیون داخله راجع به تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران] |
| رئیس - آقای اوحدی | رئیس - شوردوم خبر کمیسیون داخله راجع به تقسیمات |
| اوحدی - در اساس این لایحه که مربوط به تقسیمات کشور و وظایف حکام باشد سابقاً موافقت نموده و حالاً هم | |

* عین مذاکرات مشروح یازدهمین جلسه از دوره یازدهم قانون گذاری (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

اداره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : امیر ابراهیمی - دبیر شهرابی - مقنن - فتوحی - مجد ضیائی - محمدتقی اسفندیاری - مشار غلامحسین ملک - دکتر ادبم - عباس مسعودی - اعظم زنگنه - بیات ماکو - شه دوست - نواب یزدی - ارباب کبخسرو .
دیرآمدگان بی اجازه - آقایان : ناهید - دکتر سمیعی - نقابت - نیکپور .

بهمان عقیده باقی هستم چنانچه سابق هم عرض کرده ام در تقسیم مملکت به شش استان آن دفعه مخالفت کردم حالا هم عرض میکنم که این تقسیم مملکت به شش استان (چند نفر از نمایندگان - استان) استان یا استان یا استان هر چه اسمش را میگذارید بگذارید عیبی ندارد لغات جدیدی که حالا وضع شده است و تأثر است بنده بی اطلاع و نمیدانم. بلی استان يك قدری صحبت در اطرافش شد بنده نفهمیدم از روی چه نظری در کمیسیون این شش استان ضمیمه شد در ابتدا که لایحه وزارت داخله آمد بمجلس این قسمت نبود و این طرز هم نبود چه نظر و مصلحتی برای مملکت ایجاب می کند که این شش تقسیم را کرده اند این را بنده نفهمیدم و میخواستم بفهمم اگر حقیقه يك مصالحی ایجاب کرده است که این شش تقسیم در نظر گرفته شده است به بنده هم بگویند تا بنده هم بفهمم و البته بنده هم موافقت میکنم زیرا بنده که دشمنی با مصالح مملکت ندارم و طرفدار مصالح مملکت هستم و میل دارم همه امور مملکت روی مصالح عامه سیر کند اما هر چه که بنده تدقیق کردم عدمش را که نمیتوانم تشخیص بدهم وجودش را هم وجوباً نمیتوانم موافقت کنم مگر اینکه توضیح بدهند که لزوم وجوبی دارد. اما بعقیده بنده وجودش مخالف با یک قسمت از قوانین و امور دیگر است مثل تقسیماتی که وزارت عدلیه از برای تشکیل محاکم وحد نصاب دعاوی در محاکم کرده است که آنوقت دچار محذور خواهند شد. ملاحظه بفرمائید معین کرده اند که در هر قسمتی يك محکمه استیناف باشد حالا اگر روی تقسیمات این لایحه بر خوردند بدو محکمه استیناف تکلیف چیست، يك استان از کجا شروع میشود؟ از رشت شروع میشود می رود تا اصفهان و يك محکمه استیناف در طهران است یکی هم فعلا در اصفهان است آنوقت می رود تا مکران که استان دیگر است هیچ محکمه استیناف ندارد بعد می رود بخراسان و يك محکمه استیناف دارد باز می رود بسمت تبریز تا آنجا يك محکمه استیناف دارد پس برای اینکه تکلیف محاکم

معلوم باشد و تکلیف حد نصاب محاکم معلوم باشد تکلیف محاکم استیناف معلوم باشد تکلیف اصل متمم قانون اساسی (که در هر قسمت از ایالت يك محکمه استیناف باید تشکیل بشود) معلوم باشد بنده با این قسمت ها موافق نیستم و پیشنهاد خواهم داد که این تقسیمات بکلی از بین برود آن وقت بجای آن برای حکام درجاتی قائل شوند یعنی سه درجه يك حاکم درجه اول یکی درجه دوم و یکی هم درجه سوم حاکم درجه اول در شهرهائی باشد که مرکز استیناف است و حاکم درجه دوم در مرکز محکمه ابتدائی باشد و حاکم درجه سوم در مرکزی باشد که محکمه صلحیه است. این بود عقیده و نظر بنده.

مژدهی (مخبر کمیسیون داخله) - بنده تصور میکنم اگر آقای اوحدی توضیحاتی را که آقای وزیر داخله در مجلس دادند و بعد هم در کمیسیون تشریف آورده بودند و آن توضیحات را می شنیدند قانع می شدند و محتاج باین قسمتهائی که تذکره دادند نبود. اما جهت اینکه تشکیل این استانها برای چه بوده و چه جهت داشته است آقای وزیر داخله توضیح دادند که از نقطه نظر زیاد بودن کارهای وزارت داخله بوده است و برای اینکه کارها تقسیم شده و کمتر بشود وزارت داخله همچو مقتضی دانستند استانهای تشکیل داده شود و این نواحی که فعلا استان شده است دارای استان دار باشد و حکام یا فرمانداران با او سروکار داشته باشند برای کم کردن کارهای وزارت داخله و سرعت جریان امور این تشکیلات را مقتضی دانستند و دو باره بکمیسیون آوردند و شور شده و تصویب شده بنده هم بعرض مجلس رساندم اما راجع آن موضوع استینافی که آقای مودند البته تصدیق میفرمائید اگر حضرت مستطاب عالی دارای اطلاعات کافی از موضوع عدلیه هستید البته آقای وزیر عدلیه هم در این هیئت تشریف داشته اند و خودشان این قانون را دیده اند اگر ایرادی راجع به عدلیه پیدا میشود اشکالاتی میداشت خودشان در هیئت وزراء بودند و رفع آن ایراد و اشکال را میکردند بعد لایحه به مجلس میآید پس يك مصالحی ایجاب کرده است

که این قانون را آورده اند و به مجلس شورای ملی پیشنهاد کرده اند
رقمبی - رأی گرفته میشود به ماده اول آقایان موافقین
قیام فرمایند. (اکثر بر خاستند) تصویب شد. ماده دوم قرائت میشود.
ماده ۲ - استانهای کشور و شهرستانهای تابعه آن ها عبارت از:

- ۱ - استان شمال غرب که تشکیل میشود از شهرستانهای:
 - ۱ - خوی
 - ۲ - رضائیه
 - ۳ - مهاباد
 - ۴ - تبریز
 - ۵ - اردبیل
 - ۶ - مراغه
- ۲ - استان غرب که تشکیل میشود از شهرستانهای:
 - ۱ - کردستان
 - ۲ - گروس
 - ۳ - کرمانشاهان
 - ۴ - باوند پور
 - ۵ - پشت کوه
 - ۶ - لرستان
 - ۷ - بروجرد
 - ۸ - همدان
 - ۹ - ملایر
 - ۱۰ - خرمشهر و آبادان
 - ۱۱ - خوزستان
 - ۱۲ - کوه کیلویه
- ۳ - استان شمال که تشکیل میشود از شهرستانهای:
 - ۱ - کیلان
 - ۲ - تنکابن
 - ۳ - مازندران
 - ۴ - گرگان

- ۵ - طهران
 - ۶ - قزوین
 - ۷ - قم و ساوه
 - ۸ - کاشان
 - ۹ - اصفهان
 - ۱۰ - عراق
 - ۱۱ - گلپایگان و محلات
 - ۱۲ - خمسه
 - ۱۳ - بجنورد
 - ۱۴ - سمنان و دامغان
 - ۱۵ - شاهرود
 - ۴ - استان جنوب که تشکیل میشود از شهرستانهای:
 - ۱ - یزد
 - ۲ - آباده
 - ۳ - شیراز
 - ۴ - اصطهبانات
 - ۵ - جهرم
 - ۶ - لنگه ولارستان
 - ۷ - بوشهر
 - ۸ - عباسی
 - ۹ - کرمان
 - ۱۰ - جیرفت
 - ۵ - استان شمال شرق که تشکیل میشود از شهرستانهای:
 - ۱ - مشهد
 - ۲ - قوچان
 - ۳ - سبزوار
 - ۴ - تربت حیدریه
 - ۵ - قائنات
 - ۶ - فردوس
 - ۶ - استان شش - مکران
- تبصره ۱ - وزارت داخله شهرستانها را با رعایت عدله سکنه، مساحت و وضعیت طبیعی به بخش هائی تقسیم و

بعداً عده قطعی بخش هارا برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد میکند

تبصره ۲ - وزارت داخله می تواند باتصویب هیئت وزرا تقسیمات داخلی کشور یا مرکز آنها یا حدود شهرستانها را تغییر دهد و پس از آزمایش و رفع نواقص تقسیمات قطعی را برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی نماید.

رئیس - آقای زوار

زوار - از قراری که شنیدم پیشنهادی که بنده راجع بکاشمر در شور اول داده بودم در کمیسیون داخله مورد توجه نشده است چون پیشنهادی در شور اول داده بودم بکمیسیون داخله راجع بکاشمر که توجهی بفرمایند که جزو ولایت باشد از قراری که شنیدم مورد توجه واقع نشده است معذک بنده تاریخی بودن کاشمر را به آقایان اعضاء محترم کمیسیون داخله و وزیر معظم داخله عرض می کنم و خودشان هم البته می دانند ولی از نظر محترمشان فراموش شده است که توجهی بکاشمر بفرمایند والا با عدل و انصاف که در وجود آقایان محترم سراغ داشتیم انتظار داشتیم که عطف توجهی به پیشنهاد بنده رد شد مختصری در مجلس عرض می کنم و توجه آقایان را جلب میکنم:

شهر کاشمر یکی از شهرهای مهم و تاریخی است که حتی در دوره سابق یعنی هزار سال پیش هم آن را مقدس می دانستند و یک موقعیت مهم تاریخی دارد که شاید تا هزار و پانصد بلکه دوهزار سال هم برسد و ممکن است بتواریخ هم مراجعه بفرمائید. از حیث نفوس و جمعیت کاشمر دارای نود هزار جمعیت است کاشمر با ملحقاتش اما از حیث زراعت چیزی که ذهنم وفا کرده است و یادداشت کرده ام بعرض می رسانم در کاشمر سالی چهارده هزار عدل پنبه عمل می آید و خارج می شود چهار هزار خروار کشمش سبز عمل می آید هفتاد خروار شیره تریاک سه هزار عدل مغز بادام و مغز هسته زرد آلو سه هزار خروار برکه زرد آلو و قیسی دو هزار خروار انجیر پانصد خروار عناب -

علاوه بر زراعت های مهمی که کاشمر دارد این ولایت مرکز مهم قالی باقی ایران است که امتعه صادره او بی بازار های خارجه میرو و میخواهم بگویم باعث رونق بازارهای خارجی است از حدت خوبی و مرغوبی جنس. بنده چندی قبل شرحی عرض کرده بودم بجناب آقای رئیس الوزرا که کتباً که راه شوسه سبزوار بکاشمر را که بیش از یکصد و سی کیلومتر نیست امتداد بدهند تا طهران بکاشمر بالاخره متصل بشود آنوقت موقعیت آنجا بهتر معلوم میشود ولی متأسفانه بجای اینکه بیشتر توجهی بکاشمر بشود حالا آمده است و جزو ولایت تربت شده است بنده نمیدانم این چطور میشود باید یک بلوک بان یا یک بخش دار بود آنجا؟ اینطور میشود. خوب این چطور می تواند نود هزار نفر را با این موقعیت و این عرض و طول یک بخش دار اداره کند؟ آنها یک کاشمر باین عظمت و باین موقعیت تاریخی را. مثلاً ملاحظه بفرمائید فردوس را جزو شهرستان نوشته است گمان میکنم آقای اقبال میدانند خلیل آباد کاشمر شاید از فردوس بزرگتر و بالاتر است آنوقت فردوس جزو ولایت آمده ولی کاشمری که یک خلیل آبادش باندازه فردوس است آنوقت آمده و به تبعیت تربت داخل شده بالاخره همانطور که عرض کردم کاشمر یک موقعیت مهمی دارد و اگر هیئت وزراء و مخصوصاً وزیر محترم داخله توجهی بفرمایند که این راه ساخته شود بنده ادعا میکنم که کاشمر یکی از شهرهای مهم زراعتی و تجارتنی و بلکه در درجه اول از شهرهای زراعتی و تجارتنی خراسان خواهد شد و بنده باز بایک صدای مظلومانه مظلومیت کاشمر را بعرض میرسانم که کاشمر در هر موقع از مواقع بعد از طلوع کوکب مقدس پهلوی در انجام نیات مقدسه شاهنشاهی پیشقدم بوده و همیشه هم خواهد بود بنابراین پیشنهاد میکنم که یک شهر مهم و تاریخی و باین عظمت را که عرض کردم جزو شهرستان بشود و اسمش ازین نرود.

مخبر - پیشنهاد آقای زوار در کمیسیون قرائت شد و متأسفانه تصویب نشد ولی با اینکه تصویب نشد بنده تصور

میکم تبصره ۲ برای آقا یک امید واری تهیه کرده است چون تبصره ۲ می گوید وزارت داخله می تواند با تصویب هیئت وزراء تقسیمات داخلی کشور یا مرکز آنها یا حدود شهرستانها را تغییر دهد و پس از آزمایش و رفع نواقص تقسیمات قطعی را برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی بنماید پس در اینجا هم باز برای حضرت عالی راهی است که می توانید نظر خودتان را اعمال نمائید و با هیئت دولت مذاکره بفرمائید.

رئیس - آقای محیط

محیط لاریجانی - بنده در این ماده دو ایراد داشتم و آن این است که در قسمت هر یک از استانها شهرستانهای آن را ذکر می کند ولی در لایحه دیگری که ضمیمه این قانون است ضمن تقسیمات جزء وصفی از تمام قراء و قصبات شهرستانها هم شده است و بعقیده بنده باید در خود این لایحه هم ذکر قصبات و بلوک و شهرستانهای استانها بعنوان وصف نوشته شود یکی هم راجع به استان شش که مکران باشد عرضی داشتم که هیچ وصفی در مقابل آن ذکر نشده اگر چه باز در آن لایحه ضمیمه است ولی باید در خود این جامه راجع باستان شش و تقسیمات شهرستانها ذکر وصفی بشود.

مخبر - بنده تصور میکنم آقا اگر تبصره اول و دوم را توجه می فرمودند می دیدند که این وصف در آنجا معین شده است و مفصل آن هم در لایحه ضمیمه که لابد بعرض آقا رسیده است درج شده.

رئیس - آقای مؤید احمدی یک توضیحی میخواهند بدهند. بفرمائید

مؤید احمدی - بنده چون هم در جلسه گذشته و هم در این جلسه دیدم بعضی از آقایان تصور می کنند که اسم بعضی از نقاط از بین رفته و باین جهت میگویند که از میان نرود. چطور از میان می رود آقا؟ نقشه را ملاحظه بفرمائید آقا صورت ضمیمه که وزارت داخله فرستاده است و طبع و توزیع شده است ملاحظه بفرمائید تمام این نقاط را اسم برده است همه سر جای خودش است سرحدات ما

هم سر جای خودش است هیچ ابداً تغییری نکرده است همه معین است حالا اگر اسم یک بلوکی را در این لایحه نوشته اند که از میان نمی رود سر جای خودش است تمام بلوکات شهرستانها همه سر جای خودش است (صحیح است)

رئیس - آقای زوار

زوار - دفاع آقای مخبر محترم در قبال عرایض بنده بنده را قانع نکرد برای اینکه اولاً وظیفه مخبری این است که بایستی استدلال کنند یعنی در جواب آن کسی که ایراد می کند باید دلیل بیاورند که طرف قانع بشود. آقای مؤیدی چسبیدند باینکه کمیسیون تصویب نکرد بنده خودم هم میدانستم کمیسیون تصویب نکرده در اول عرایض هم عرض کردم که کمیسیون پیشنهاد مرا مورد توجه قرار نداد خوب اگر می کرد که بنده آنجانی آمدم حرف بزنم یگانه دلیل و حربه آقا در دفاع این بود که کمیسیون تصویب نکرد چرا نکرد آقا؟ دلالتش را بفرمائید بچه دلیل کمیسیون تصویب نکرد؟ بایستی دلیل آن را ذکر کرد.

مخبر - بنده تصور میکنم بهترین دلیل خود آقا تصدیق می فرمائید مقتضیاتی است که هیئت دولت در نظر گرفته اند و تقسیم کرده اند و صورتش را برای ما آورده اند و فرمایش حضرت مستطاب عالی هم از برای کاشمر تا این اندازه ها هم که می فرمائید وارد نیست بعد هم که عرض کردم در تبصره دوم منظور آقا رعایت شده است دیگر.

عده از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقایانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. پیشنهادی از آقای مؤید ثابتی رسیده است قرائت می شود:

پیشنهاد می کنم در ماده دوم شهرستانهای بجنورد و شاهرود از استان شمال حذف و باستان شمال شرق ملحق شود.

مخبر - بنده موافقم

رئیس - آقای وزیر داخله هم این پیشنهاد را پذیرند

وزیر داخله - بلی

موید احمدی - پس همینطور در ماده اصلاح میکنیم (صحیح است) در استان پنج قسمت هفتم شاهرود و قسمت هشتم بجنورد اضافه میشود و از استان سوم قمره سیزدهم بجنورد و پانزدهم شاهرود حذف میشود.

مخبر - صحیح است.

رئیس - رأی میگیریم بماده دوم با این اصلاح آقایان موافقین برخیزند (اکثر برخاستند) تصویب شد. ماده سوم: ماده ۳ - هر استان در تحت اداره يك نفر استاندار قرار داده میشود که در حدود مقررات این قانون فرمانداران حوزه مأموریت خود دستور و تعلیمات میدهد و با وزارت داخله رابطه مستقیم دارد تبصره - استانداران دارای مرکز ثابت نبوده و در طایفه امور شهرستانهای تابعه بازرسی کرده و مسئول حسن جریان امور آنها هستند.

رئیس - آقای افشار.

افشار - بنده در ماده قبل تقاضا کرده بودم و عرضی داشتم که بکنم ولی فرصت نشد اما چون در ماده سوم تأمین نظر بنده میشود خواستم با آقای وزیر داخله عرض کنم که فعلا نظر دولت این است که حتی المقدور از لغات یا کلمات خارجی دست برداشته شود و کنار بگذارند. سابق بر این ایالات ما تمام اسامی فارسی و تاریخی قدیمی داشتند مانند خراسان آذربایجان کرمان و غیره متأسفانه در این لایحه تقسیمات تشکیلات وزارت داخله بتمام این استانها اسامی عربی داده اند مثل شمال شرق شمال غرب، جنوب، شرق و آن اسامی تاریخی و فارسی قدیمی را متأسفانه از بین برده اند آذربایجان مثلا يك اسمی است که از قدیم الایام معمول بوده است و همه جا می شناختند و می دانستند خراسان همینطور و میگفتند و الی خراسان یا والی آذربایجان ولی حالا ما این اسامی را داریم از بین میبریم و يك اسامی خارجی بجای آنها میگذاریم بطور مبهم و بجای اسامی تاریخی قدیمی

مینویسیم غرب، شرق، جنوب، شمال شرق، شمال غرب و شمال که هیچ هم با وضعیات و سوابق تاریخی تطبیق نمی کند و بعقیده بنده اگر اسامی تاریخی و قدیمی ما بجای خودش باقی بماند بهتر است (صحیح است) مثل آذربایجان خراسان و غیره عرض دیگر بنده این بود که این تقسیمات بعضی ها خیلی طبیعی و درست است مثلا در قسمت آذربایجان ولی در بعضی قسمتها از قبیل قسمت شمال یا جنوب شرق نه طبیعی است و نه با يك وضعیت جغرافیائی تطبیق میکند مثلا وضعیت ایالات شمالی مازندران و کیلان و استرآباد هیچ متناسب و رابطه با وضعیت اصفهان و گلپایگان و محلات و عراق ندارد و بنده تصور میکنم که این تقسیمات غیر طبیعی است و بنده این جا پیش بینی میکنم حالا که ماده گذشت ولی خود وزارت داخله مجبور میشود بعداً عوض کند و تغییر بدهد.

مخبر - شرحی را که آقای افشار راجع بماده قبل فرمودند خودشان توضیح دادند که راجع بماده قبل بود و گذشت بنا بر این دیگر موردی ندارد مذاکره در آن ماده.

رئیس - رأی میگیریم بماده سوم آقایان موافقین قیام نمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده چهارم:

ماده ۴ - هر شهرستان را يك نفر فرماندار و هر بخش را يك نفر بخش دار و هر دهستان را يك دهمدار و يك یا چند ده را يك کدخدا اداره خواهد نمود

رئیس - موافقین با ماده چهارم برخیزند (عده زیادی برخاستند) تصویب شد. ماده پنجم قرائت میشود:

ماده ۵ - استاندار از بین مستخدمین رسمی دولت بموجب پیشنهاد وزارت داخله و فرمان همایونی منصوب میشود

رئیس - آقایانی که باماده پنجم موافقت قیام فرمایند (عده زیادی قیام نمودند) تصویب شد ماده ششم

ماده ۶ - فرماندار از بین مستخدمین رسمی دولت با پیشنهاد استاندار بوزارت داخله و فرمان همایونی منصوب میشود

تبصره - در صورت لزوم ممکن است اشخاصی که دارای سابقه خدمت رسمی هستند بموجب تصویب نامه هیئت وزراء و فرمان همایونی بسمت استاندار یا فرماندار منصوب شوند

رئیس - موافقین با ماده ششم قیام فرمایند (اکثر قیام کردند) تصویب شد. ماده هفتم قرائت میشود:

ماده ۷ - بخش دار از بین مستخدمین رسمی دولت به پیشنهاد فرماندار و موافقت استاندار و حکم وزارت داخله منصوب میشود

رئیس موافقین با ماده هفتم قیام فرمایند (اکثر قیام کردند) تصویب شد ماده هشتم خوانده میشود

ماده ۸ - ده دار از بین ساکنین بخش به پیشنهاد بخشدار و حکم فرماندار تعیین میشود

تبصره - وزارت داخله میتواند ده دار را از بین مستخدمین کشور به پیشنهاد فرماندار انتخاب نماید.

رئیس - آقای افشار

افشار - بنده در جلسه قبل استدعا و عرض کرده بودم که بلوک بان یا ده دار را از این ماده حذف کنند علت تقاضا هم این بوده است که تجربه بما ثابت کرده است که هر اندازه مامورین جزء عده شان زیادتر بشود تماس شان با مردم زیاد تر خواهد بود. بهمین نسبت از طرفی هم لزوم بلوک بان یا ده دار اصلا درست معین نیست بر ما که چه لزوم دارد در این قانون ذکر شده در خارجه هم بنده عرض کردم که در تقسیمات کشوری دول خارجه هم بلوک بان یا ده دار نیست و بهمین جهت بنده استدعا میکنم جناب آقای وزیر داخله هم موافقت فرمایند که اصلاً دهستانها مامور خاصی نداشته باشد بخصوص مامورینی که از همان خود اهالی محل انتخاب می شود اهالی محل هم دهاتیها با هم حب و بغض دارند و این حب و بغض باعث می شود که يك عده زیادی از اهالی بلوکات دچار زحمت و اشکال خواهند شد و خود وزارت داخله هم از وجود این اشخاص استفاده

نمی کند و نواب حکام کافی هستند که اوامر دولت را در دهات اجرا نمایند دیگر احتیاج باین تقسیمات جزء و اسباب زحمت مردم نیست خود آقای غیر در کمیسیون يك روزی برای ما توضیح می دادند در کیلان هم بلوک بان هست و وجود این اشخاص فوق العاده اسباب زحمت مالکین و رعایا است و از وجود آنها هم دولت هیچ فایده نمی برد پس ایجاد يك اشخاص غیر مسئول محلی که جز اعمال غرض و ایجاد زحمت برای مردم نتیجه دیگری ندارد چه فایده دارد اگر برای اجرای اوامر دولت است همه مطیع اوامر دولت هستند و کافی است که نایب الحکومه ها مراسم دولت را در حدود مأموریت خودشان تشریح نموده و اجرای آن را بخواهند پس وجود بلوک بان یا دهمدار را بنده هیچ لازم نمیدانم و تمنی می کنم آقای وزیر داخله موافقت فرمایند برداشته شود

مخبر - پیشنهاد آقای افشار در کمیسیون قرائت شد دلایلی که آقای افشار ذکر فرموده بودند مورد مذاکره قرار گرفت ولی دلایلی که آقای وزیر داخله ذکر کردند موجب شد که همه تصدیق کنیم بودن بلوک بان و دهمدار لازمست باین واسطه پیشنهاد آقا رد شد و اینکه عرض بنده را مستند قرار میدهند که بنده در کمیسیون عرض کردم برای مردم اسباب زحمت بود بنده مقصودم آنهایی بود که فعلا هستند و تشکیلات مرتبی ندارند نه اینهایی که امروز وزارت داخله دارد تشکیلات مرتبی میدهد شماعرض بنده را مستند قرار میدهند برای فرمایشاتتان بعلاوه شما ملاحظه فرمودید که دهمدار را مینویسد از مستخدمین رسمی هم میتوانند انتخاب میکنند.

رئیس - موافقین با ماده هشت قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده نه قرائت میشود

(اینطور خوانده شد)

ماده ۹ - کد خدا از بین ساکنین دائمی ده یا دهات به معرفی مالک و به پیشنهاد بخش دار و حکم فرماندار تعیین میگردد.

تبصره - هرگاه که خدا از انتظامات امور زراعتی فرو گذاری نماید به تقاضای مالک یا مالکین منزل میشود
رئیس - آقای روحی

روحی - در این ماده بنده عقیده ام این است که خدا از بین سواد داران ده انتخاب شود بهتر است تا اینکه بگوئیم که خدا از بین ساکنین ده معین میشود زیرا داشتن سواد خیلی برای که خدا مدخلیت دارد و اگر بیسواد باشد ممکن است درست واقف بامور نباشد

رئیس - آقای عراقی

عراقی - فرمایش آقای روحی خیلی خوب است ولی هنوز در دهات خیلی جاها هست که اصلاً آدم سواد دار پیدا نمیشود بنابراین دهاتی را که چسبیده به شهرستان هاست در نظر بگیریم بلکه دهات دور دست بعضی هست که اصلاً سواد دار ندارد بعلاوه دهاتی که مالک دارد آن مالک ده اگر تید با سواد در آنجا دارد او را پیشنهاد می کند و خود وزارت داخله که خدا معین نمیکند ولی بخش دار بحکم حاکم معین میشود

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرضی ندارم

رئیس - آقای وکیلی

وکیلی - بنده هم همین عرض آقای عراقی را می خواستم بکنم

رئیس - رأی میگیریم به ماده نه آقایان موافقین قیام فرمایند

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. ماده ده قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲۰ - حکام در حدود قوانین دارای وظائف ذیل هستند که در تحت نظر و مطابق دستور استنادار وظائف محوله را انجام مینمایند

۱ - حفظ سلامت عمومی در حوزه مأموریت خود و مراقبت در بهبودی اوضاع اجتماعی محل

۲ - جدیت در پیشرفت امور فلاح و عمران و وادار کردن اهالی و ملاکین به اجرای برنامه فلاحی که از طرف اداره کل فلاحت داده میشود

۳ - مراقبت در پیشرفت امور اقتصادی و صناعت محل
۴ - مراقبت و جدیت در اجرای مقررات بازرسی بهداشت نباتات و حیوانات و سایر مسائل مربوطه به پیشرفت فلاحت
۵ - مراقبت در توسعه تربیت بدنی و پیشرفت امور معارفی و تربیت اکابر

۶ - مراقبت و نظارت در امور بهداشتی و بهداشت

۷ - نظارت در امور شهرداری ها

۸ - انجام انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی

۹ - انجام امر انتخابات شهر داری ها و اطلاق های تجارت

۱۰ - ریاست شورای اداری شهرستان

۱۱ - ریاست مجلس سرباز گیری

۱۲ - ریاست کمیسیون مالیات بر درآمد

۱۳ - کلیه امور دیگر که مطابق قوانین بعهده فرماندار واکذار میشود

رئیس - آقای عراقی

عراقی - یکی از وظایف فرماندار عبارت است از اجرای برنامه فلاحی که از طرف اداره کل فلاحت داده می شود در صورتیکه یک قانونی برای عمران و آبادی آورده اند که برنامه اداره کل فلاحت در آن نیست چیزی که هست این است که در شورای هر بخش ترتیبی برای امور فلاحی خودشان معین می کنند و پیشنهاد به حاکم میکنند و حاکم آنرا اجرا میکند اینجا نوشته است برنامه فلاحی که از طرف اداره کل فلاحت داده می شود و گمان میکنم خوب است یک عبارتی بهش ضمیمه شود چون مطابق آن قانون که راجع بعمران و آبادی آمده است شورای بخش این وظیفه را دارد که برنامه را تعیین کند و بدهد که از آنرو رفتار کنند نه اداره کل فلاحت

رئیس - آقای ملک مدنی

شورائی که در شهرستان تشکیل می شود در موقع لزوم مالکین را دعوت میکند و با اطلاع آنها برنامه را تنظیم می کند

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - بنده خیال می کنم که این برنامه با آن وظیفه را که شورای بخش دارد توافق نمی کند اداره کل فلاحت از نظر عمران کشور البته ممکن است یک برنامه بدهد و آنوقت تصمیمات مربوط با اجرای این برنامه در بلوکات بعهده شوراهای بخش خواهد بود که از نظر عملی بودن که چه قسمتش عملی هست یا نیست مورد مشورت و مطالعه قرار بدهند و بنده خیال نمی کنم که این برنامه ارتباطی با آن قانون عمران داشته باشد ما آن قانونی را که برای عمران گذرانیدیم برای شورای بخش یک وظایفی قائل شدیم درین صورت بنده نگرانی ندارم از اینکه این قسمت یک تعارضی با آنجا داشته باشد و گمان میکنم این برنامه یک برنامه کلی است که برای تمام کشور تعیین میکنند و شوراهای بخش کارهای مربوط بحوزه خودشان را انجام میکنند

رئیس - آقای عراقی (اجازه)

عراقی - وقتی که قانون تصویب میشود مجریان موظفند که آنرا اجرا کنند مواد قانون را باید قانون گذار و هیئت دولت که آن قانون را می آورند باید دیگر تطبیق کنند و بینند که ممکن است یک ماده آن قانون با قانون دیگر تنافی پیدا کند و مجری را بزحمت گرفتار کند یا نه؟ مادر آن قانونی که برای عمران و آبادی مملکت در کمیسیون مورد مذاکره بود یکی از وظایف شورای بخش را عبارت گرفتیم از تنظیم امور فلاحی که در آن شورای بخش که تشکیل میشود وقتی برنامه راجع بامور فلاحی فرماندار دادند مطابق قرار داد اگر در ظرف ده روز اعتراض نرسید فرماندار موظف است آنرا اجرا کند در آنجا فرماندار موظف میشود با اجرای آنکه شورای بخش داده است. در این قانون موظف میکند فرماندار را که برنامه فلاحی اداره فلاحت را اجرا کند چون ممکن است آن شورای بخش یک امری را گفته باشد

ملک مدنی - بنده میخواستم عرض کنم تقریباً در این قسمتی که آقای عراقی فرمودند یک لایحه راجع بعمران امور فلاحی تقدیم مجلس شده است که شورش خاتمه پیدا کرده است و این برنامه ای که در اینجا نوشته است از این جهت که شهرستان هم یک وظایف و تکالیفی را از نظر فلاحی انجام دهد خوب است ما اینجا یک تبصره یا همان قسمتی که مربوط به برنامه امور فلاحی است در نظر بگیریم که یک شورائی از مالکین تشکیل بشود که آن نظریات بشورای بخش فرستاده شود و در آنجا شور بشود بنده خیال میکنم از نظر استفاده هم خوب باشد غالباً در شهر ها هم مالکین هستند که از افراد آنها عموماً میتوان استفاده کرد و باید آنها را دعوت کنند و آن نظریات آنها را بشورای بخش بفرستند تا مورد مطالعه و نظر بشود و طبق قانون عمران رسیدگی و رفتار شود اگر آقای وزیر داخله موافقت فرمایند بنده پیشنهاد می کنم که بانظر خودوزارت داخله هم تنظیم کنند که با آن قانون موافقت کند

مخبر - فرمایشی را که آقای عراقی فرمودند در موضوع اجرای برنامه آنچه را هم که در کمیسیون تشریف فرما بودند وظایف بخش را معین کرده اند که شورای بخش زمینه تهیه می کند یعنی تشریفات برنامه را آنها حاضر می کنند و می فرستند از برای فرماندار و با اداره کل فلاحت مشاوره می شود و بعداً برنامه ای از طرف آنها تنظیم می شود این یک تشریفات و مقدماتی است پس از اینکه برنامه تنظیم شد آنوقت ایشان مجری میشوند در این صورت بنده تصور می کنم آقا هم در این قسمت موافقت فرمایند.

اما راجع بفرمایش آقای ملک مدنی در اینباب مذاکره شده راجع به شورای اداری که در شهرستانها تشکیل می شود در چند جلسه هم مذاکره شد و پیشنهاد شد که خوبست چند نفر از مالکین هم در این شوری باشند برای امور فلاحی آقای وزیر داخله در این موضوع موافقت نکردند و اظهارشان این شد که البته در امور فلاحی همین

که با برنامه فلاحی تنافی داشته باشد. نه اینکه بنده مخالف این ماده باشم خیر مخالف نیستم بلکه عقیده ام این است که ماده طوری تنظیم شود که جدیت در پیشرفت امور فلاحی و عمران و آبادی املاک و وادار کردن اهالی و مالکین با اجرای برنامه فلاحی که شورای بخش داده با این قانون منافات نداشته باشد و الا بنده مخالفی ندارم باید طوری باشد که مجری قانون خودش را موظف بداند قانون را اجرا کند نه اینکه بیند این قانون با قانون دیگری تنافی است و گرفتار شود. شما برنامه فلاحی را در آنجا به گردن بخش انداخته اید که شورای بخش باید این برنامه را بدهد اینجا بگردن اداره فلاحی انداخته اید که باید فرماندار برنامه اداره فلاحی را اجرا کند در حالی که این دو قسمت ممکن است با هم تنافی داشته باشد

مخبر - بنده تصور میکنم تنافی در بین نباشد بطوریکه آقای اعتبار توضیح دادند این يك برنامه است بطور کلی از اداره فلاحی معین میشود و می رود به بخشها و در نقاط مختلفه اجرا میشود

رئیس - آقای ملک مدنی

ملک مدنی - بنده خیال می کنم آقای مخبر يك قدری ذقت نفرمودند بنده عرض میکنم این ماده ۲ در قسمت دوم بطوریکه اینجا هست جدیت در پیشرفت امور فلاحی و وادار کردن اهالی و مالکین را با اجرای برنامه که از طرف اداره کل فلاحی داده می شود معین میکنند در قانون عمران و آبادی این وظیفه و با فعهده شورای بخش واگذار کرده اند دلیل و علتش هم این است که شورای بخش تشکیل حتی شود از ملاحظه و مطلعین محل اینجا این قسمت بعقیده بنده لزومی ندارد مگر اینکه قسمت دوم را منظور تنظیم کنیم خواهش می کنم آقای وزیر داخله هم توجه بفرمایند اینطور گمان می کنم بهتر باشد که فرماندار باید در پیشرفت امور فلاحی جدیت نماید در موقع لزوم و اقتضا که شورای فلاحی را تشکیل می دهد برنامه اداره فلاحی را هم مورد مطالعه

قرار دهند و طوری برنامه فلاحی را تهیه کنند که این دو قسمت باید یکدیگر تنافی نداشته باشد خصوصاً از حالا در موقعی که این دو قانون با هم می گذرد منافاتی در بین نباشد نظر بنده این بود که عرض کردم حالا دیگر بسته است بنظر آقای وزیر داخله **مخبر** - آقای وزیر داخله با شوراها می متعدد موافق نیستند آنطوری که اظهار نفر می فرمایند این است که همان وظایفی را که شورای بخش معین می کند فرماندار اجرا کند و فرماندار مافوقی است و بطوریکه عرض شد اگر لازم دانستند دعوتی از مالکین خواهند کرد که در برنامه فلاحی شورا کنند

رئیس - دو پیشنهاد رسیده است قرائت میشود
پیشنهاد آقای دهستانی

بنده پیشنهاد می کنم قسمت ۲ بقرار ذیل اصلاح شود
جدیت در پیشرفت امور فلاحی و عمران و وادار کردن اهالی و مالکین بتوسعه فلاحی
رئیس - آقای دهستانی .

دهستانی - عرض کنم در قسمت سوم بطور خلاصه می نویسد: مراقبت در پیشرفت امور اقتصادی و صناعت علی. خوب در این قسمت واه باز است ولی در قسمت دوم می نویسد برنامه ای که از طرف اداره کل فلاحی داده می شود. بودن این قسمت بعقیده بنده با آن قانون عمران که در دست است منافات پیدا میکند بنده عرض میکنم وقتی که گفتیم توسعه امور فلاحی همین کافی است بنا بر این قسمتی که «از طرف اداره کل فلاحی داده می شود» اگر حذف شود منظور همه آقایان تامین میشود و اشکالی هم در کار فراهم نخواهد شد

مخبر - اصلاً این ماده منظور این است که مردم موظف باشند با اجرای برنامه اداره فلاحی تحالاً میفرمائید اینطور نباشد؟

مؤید احمدی - پیشنهاد را پس میگویند
دهستانی - اگر قبول نکنند پس میگویم
رئیس - آقای امین (اجازه)

امین - بنده تصور می کنم که آقایان محترم در این خصوص قدری اشتباه می کنند اگر خوب التفات بفرمایند در ذیل ماده تصریح کافی شده است مینویسد جدیت در پیشرفت امور فلاحی و عمران و وادار کردن اهالی و مالکین با اجرای برنامه فلاحی دیگر وظیفه يك فرماندار یشی از این نیست این مأمور فلاحی نیست يك مأمور عالی قدری است و همین قدر کافی است و دو کمیسیون مذاکرات کافی شده است آقایان هم تشریف داشتند این همه را میفرساند اگر مختصر ایرادی هم باشد آن را هم درست می کنیم این قابل مناقشه نیست که ایقدر معطل نمایند خیلی در کمیسیون مناقشه در اطرافش شده است

(پیشنهاد آقای مؤید احمدی بشرح ذیل خوانده شد)

در ققره ۲ از ماده ۱۰ علاوه شود برنامه از طرف اداره کل فلاحی بشورای بخش داده میشود

مؤید احمدی - استدعا می کنم آقای وزیر داخله و مخبر توجه بفرمایند لابد قانون عمران را مطالعه فرموده اند در کمیسیون هم مطرح شده است پریش در شور اولش هم تشریف داشتند عرض کنم اینجا شورا های بخش را مکلف کرده اند که برنامه های فلاحی بیاید آنجا و آن ها به بیند و پس از تصویب آن ها اجرا شود در اینجا فقط حکومت مکلف است که برنامه اداره فلاحی را اجرا کند و اسمی از شورای بخش نیست در آن قانون نوشته است شورای بخش معین کنان بنظر من تهافت پیدا می کند اگر شورای بخش را ضمیمه کنیم هیچ ضرری ندارد و با آن قانون هم تهافت پیدا نمی کند

مخبر - بنده موافقت می کنم

اعتبار - بنده مخالف اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمایند

اعتبار - عرض کنم اساساً همان طوری که عرض کردم این جا دو وظیفه است یکی اداره کل فلاحی نسبت به عمران کشور يك برنامه می دهد بعد هم مینویسد فرمانداران در حدود توان این اجرای آنها و اسمی

خواهند کرد یکی از قوانینی که ما میگذرانیم همین قانون عمران است و اگر چنانچه تنافی با این قانون داشته باشد البته خود او متوجه خواهد شد و اینکار را نمیکند برنامه فلاحی برای کشور غیر از برنامه است که شورای بخش میدهد این شوری تشکیل میشود از بخش دار و چند نفر از مالکین برای يك بلوك بخصوص اگر این منطقی آقا ضحیح باشد اصلاً بنظر بنده برنامه فلاحی هیچ لازم نیست برای اینکه شورا های بخش در هر قسمتی میتوانند خودشان بشینند و برنامه بنویسند و مطابق این ماده عمل کنند پس این منظور نیست اینجا دو مطلب است یکی برنامه فلاحی که برای عمران است و یکی هم برنامه شورای بخش است که برای بلوك خودش است و مربوط بتمام کشور نیست اینجا هم فرمانداران در حدود قوانین اجرا خواهند کرد و البته یکی از این قوانین قانون عمران است که مجلس شورای ملی میگذرانند و البته باید متوجه این قسمت باشند این عبارت که حضرتعالی زیاد کردید نتیجه اش این میشود که فرماندار نداند که چکار کند و آن نظری که ما داریم از بین میرود .

رئیس - آقای عراقی :

عراقی - اداره کل فلاحی البته برنامه فلاحی که میدهد راجع بتمام کشور است ، شورای بخش هم مکلف است مطابق قانون عمران و آبادی برنامه بدهد. این را هم قبول دارم ولی چیزی که تصور میکنم اسباب تنافی شود این است که اداره کل فلاحی در برنامه که میدهد يك چیزی را راجع بزراعت بنویسد که شورای بخش آن زراعت یا آن چیز را برای آن دهستانهای خود لازم ندارند بلکه مضر میدانند مثلاً میگوید آبیو هوای دهستان ما برای آن زراعت که اداره کل فلاحی دو برنامه خودش پیشنهاد کرده ضرر دارد حالا که گفت ضرر دارد در آن شورای بخش ضرر آن را بحاکم پیشنهاد میکنند که مثلاً بنده نباید داشته شود بحاکم مطابق این قانون باید اجرا کند آن چیزی را که اداره کل فلاحی داده و در قانون عمران و آبادی هم می گویند که بحاکم باید برنامه را که از طرف شورای بخش

تسلیم میشود اجرا کند آنوقت ممکن است با هم تنافی پیدا کند. قانون باید طوری باشد که مجری قانون در محذور نباشد. بعقیده بنده این پیشنهاد آقای مؤید احمدی با تغییر لفظ (و) به (یا) خوب است قبول شود که برنامه اداره کل فلاحیت یا شورای بخش را که حاکم باید اجرا کند برنامه اداره کل فلاحیت یا شورای بخش را مطالعه میکند اگر دید صلاح است برنامه اداره کل فلاحیت را اجرا میکند و اگر دید صلاح این است که برنامه شورای بخش را بموقع اجرا بگذارد آنرا بموقع اجرا می گذارد در هر صورت این اختیار بحاکم داده میشود. با این اجرا کند یا آنرا و این اختیار دادن بحاکم رفع محذور قانونیش را میکند.

رئیس - آقای اوحدی.

اوحدی - بنده تصور نمیکنم این ماده و این قسمت اینقدر تنافی با قانون عمران داشته باشد. يك وظایفی اینجا برای حاکم معین شده است. بالاخره این وظایفی را که حاکم از نقطه نظر قوه مجریه دارد عیناً همین قوه را در قانون عمران دارد اداره فلاحیت علت تأسیسش این است که مسائل علمی فلاحیتی را بدهد. این وظیفه اش این است که بطور کلی نظریه اش را بدهد که در مملکت باید امروز مطابق اصول علمی فلاحیت شود برای چه برای ازدیاد حاصل این برنامه بطور کلی میرسد بدست وزارت داخله و از آنجا میفرستند پیش حکام و آنها بنا بمقتضیات عملی یا رأی شورای بخش یا رأی شورای اداری که خودش دارد. يك شورای اداری هم خود حاکم دارد که در آنجا هم فلاحین و مالکین باید حاضر شوند و هم رؤسای ادارات که در آن جا با حکومت معاونت می کنند در تأسیس امور فلاحیتی و ازدیاد امور فلاحیتی بنا بر این هیچ تنافی نمی بینم بنده بین این ماده و آن قانون و هیچ چیز هم لازم نیست اضافه شود.

رئیس - آقای اعتبار

اعتبار - عرض کنم یکعده موافقند با آن وضعیتی که ماده اول داشت پیشنهاد آقای مؤید نمیدانم ضمیمه شده است بماده یا خیر. اگر ضمیمه شده است بنده پیشنهاد می کنم که

نسبت به ماده بصورت سابق رأی گرفته شود چون به نظر بنده آن پیشنهاد ماده را خراب می کند

مؤید احمدی - بنده از پیشنهاد خودم صرف نظر می کنم لکن بدانید و در صورت مجلس هم بنویسید که معلوم باشد بین این قانون با آن تنافی است

عراقی - بنده پیشنهاد آقای مؤید احمدی را قبول میکنم با تبدیل (و) به (یا) و بنویسند یا بر نامه شورای بخش که حاکم دستش باز باشد و بتواند کار بکند

رئیس - رأی می گیریم بماده بطوری که در قانون منظور است اگر موافقت نشد بدیگری رأی می گیریم - موافقین با ماده دهم به طوری که در لایحه منظور است قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. آقای وزیر مالیه

[۳ - تقدیم يك فتره لایحه از طرف آقای وزیر مالیه]

وزیر مالیه - يك لایحه ایست که بر حسب امر و اجازه بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهی در باب فروش يك قسمت از جواهرات سلطنتی تقدیم مجلس شورای ملی می شود بطوریکه خاطر آقایان محترم مستحضر است يك قسمت از جواهرات موجوده جواهراتی است که برای اساس سلطنت باید نگاه داری و حفظ بشوند و يك قسمت هم جواهراتی هستند که سرمایه را کدی بوده و البته برای منظوری که دولت در نظر دارد و آن ازدیاد سرمایه بانک ملی است بهترین عملی است که ممکن است بشود در این لایحه که پیشنهاد میشود برای تفکیک جواهرات و ارزیابی آنها کمیسیونهایی در نظر گرفته شده است که در این کمیسیونها از نمایندگان مجلس شورای ملی هم چه در قسمت ارزیابی و چه در قسمت تفکیک شرکت خواهند داشت

رئیس - بکمیسیون ارجاع می شود تصویب میفرمائید چند دقیقه تنفس داده شود

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بفاصله نیمساعت مجدداً تشکیل گردید)

[۴ - بقیه شور اول لایحه مالیات بر ارث و انتقالات بلاعوض]

رئیس - قانون راجع بارت از ماده چهارم شروع می شود.

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده چهارم - مکلفین پرداخت مالیات نامبرده در ماده اول وراث متوفی هستند وراث از نظر این قانون بسه طبقه تقسیم میشوند.

۱ - وراث درجه اول

۲ - « « دوم

۳ - « « سوم و بالاتر

رئیس - ماده پنج قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۵ - وراث طبقه اول عبارتند از پدر و مادر و اولاد و نواده و زوج و زوجه. وراث طبقه دوم عبارتند از اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها. وراث طبقه سوم عبارتند از عم و عمو و دایی و خاله و اولاد آنها و بالاتر

رئیس - نظری نیست. ماده ۶

(باین ترتیب خوانده شد)

ماده ۶ - هر يك از وراث قانونی متوفی باید در ظرف دو ماه از تاریخ فوت مورث خود اظهار نامه که حاوی صورت کلیه دارائی متوفی و مطالبات و بدهی های او باشد بامدارك لازم برای اثبات آنها بداره مالیه صلاحیت دار تسلیم نمایند و ضمناً قیمت تخمینی ماترك را در آن بنویسند تبصره - قیمت اثاثیه خانه مسکونی متوفی اعم از اینکه خانه ملکی یا اجاری باشد مقطوعاً از قرار ۱۵ درصد قیمت خانه تعیین خواهد شد

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - در ماده ۶ مدت را دو ماه معین کرده اند که وراث قانونی باید بعد از فوت اطلاع بدهند بنظر بنده این يك قدری توضیحات بیشتری لازم دارد چونکه متوفی دو قسم است يك فوت حقیقی یکی هم فوت فرضی در فوت حقیقی تا وراثت قانونی وراث ثابت بشود این يك مدت زیادی لازم دارد در محکمه برای اثبات وراثت که اقل مدتش چهار ماه است از ابتدای عرضحال دادن و سه مرتبه اعلان نوبتی کردن در هر ماه يك مرتبه سه ماه هم

اینجا وقت لازم دارد تا وقتی که وراثت قانونی به تصویب برسد در مورد فوت فرضی هم دو سال وقت لازم دارد که برود بمحکمه و عرضحال بدهد یکسال هم آنجا وقت لازم دارد تا محکمه حکم فوت فرضی را بدهد آن وقت وراثت آنها محقق شود پس با این ترتیب فوت فرضی و با این انحصار وراثت در فوت حقیقی دو ماه معین کردن بنظر بنده خیلی کم است خوب است این ماده اینطور اصلاح شود که پس از ابلاغ حکم انحصار وراثت و پس از ابلاغ حکم فوت فرضی بفاصله ده روز یا بفاصله پنجروز آنها مکلف باشند که اطلاع خود شان را بدهند

وزیر مالیه - اولاً قسمت فوت فرضی موضوع دیگری است در اینجا مصداق ندارد اینجا برای فوت معمولی است ثانیاً اشخاصی که مال دستشان است این ها البته محتاج به انحصار وراثت نیستند و خودشان را ورثه میدانند و مال هم در دستشان است يك اظهار نامه هم می دهند که این مال در دست ما هست و مالیات این هم شش ماه هشت ماه بعد وصول میشود و آنها هم عرضحال انحصار وراثت را میدهند و پس از اینکه معلوم شد وراثت قانونی هستند مالیات را میپردازند و در ظرف دو ماه باید اظهار نامه بدهند و دو ماه هم مدت کمی نیست.

رئیس - آقای عراقی. (اجازه)

عراقی - بنده هم خواستم همین توضیح آقای وزیر مالیه را به آقای اوحدی عرض کنم که فرق است بین گرفتن مال با اطلاعش این در ظرف دو ماه اطلاع میدهد که پدر من فوت شده البته انحصار وراثت را بجزایان می اندازد و صورت دارائی متوفی را هم بمالیه میدهد و مالیه پس از شش ماه مطالبه میکند و تا آنوقت هم تکلیف انحصار وراثت معلوم شده است.

رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود

(بترتیب ذیل خوانده شد)

این جانب پیشنهاد مینماید که در ماده ۶ بعد از عبارت در ظرف دو ماه از تاریخ عبارت (انتشار) اضافه شود

رئیس - آقای اوحدی

اوحدی - مقصود بنده این بود که چون در این ماده صریح نوشته شده وراثت قانونی چون وراثت قانونی وقتی گفته میشود که جریان تشریقاتی انجام شده و بورائت قانونی شناخته شده باشد باین جهت بنده عرض کردم باین دو ماه انجام نمیشود اگر نظر آقای وزیرمالية صرف اطلاع باشد بعقیده بنده لفظ قانونی زده شود که هر کدام از وراثت بتوانند چنین اظهاری را بکنند
رئیس - آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - عرض کنم در موضوع موت فرضی که فرمودند. آقا موت فرضی وقتی ثابت میشود که حکم از محکمه صادر شده باشد یعنی تمام تشریفاتش بعمل آمده باشد محکمه حکم میکند که این آدم مرده آنوقت وراثت میاید و اظهارنامه میدهد اما اگر عبارت قانونی را که فرمودند برداریم آنوقت همه کس میتواند اظهارنامه بدهد در صورتیکه مقصود اینست که وراثت قانونی اظهارنامه را بدهد و البته اگر کسی مرد ده تا پنج تا وراثت دارد و آن وراثت هم فرض می کنیم برادر هستند یکی از آن برادران می رود اظهارنامه را میدهد و گفایت میکند

رئیس - ماده ۷

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۷ - اداره مالیه اظهارنامه را از نظر تعیین شخصت اقلام دارائی و یا مطالبات و یا بدهی ها و یا ارزش اموال مورد رسیدگی قرار داده و هرگاه تمام یا قسمتی از آنرا صحیح نداند نظر خود را با ذکر دلایل کتباً بمودی ابلاغ و اخطار می نماید که اگر اعتراضی دارد در ظرف يك ماه از تاریخ ابلاغ اعتراض خود را با ذکر ادله با اداره مالیه تسلیم نماید و در صورت تسلیم صریح مودی بتشخیص مالیه یا ندادن اعتراض در ظرف مدت مقرر نظر مالیه قطعی شده و طبق آن مالیات قانونی وصول خواهد شد مگر آنکه معلوم شود در محاسبه اشتباه شده است

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - در این ماده برای مودیان مالیات موعده

معین شده يك ماه برای اعتراض این البته خوب است ولی برای اقدام اداره مالیه پس از دادن اظهارنامه از طرف مودی مدت معین نشده که درجه مدت باید اداره مالیه تکلیف مودی را در تصدیق اظهارنامه یا اعتراض بر آن با ذکر دلایل معین کند بنده معتقدم باید مدت معین شود این است که پیشنهاد میکنم در نظر سوم بعد از جمله با ذکر دلایل قید شود که نظر خود را با ذکر دلایل در مدت يك ماه از تاریخ وصول اظهارنامه بمودی مالیات ابلاغ نماید البته این از خیلی اشکالاتی که ادارات ما امروز مبتلا هستند جلوگیری میکند یعنی جلو شکایت مودیان گرفته میشود و از این قسمت زیاد شکایت میکنند و مأمورین هم تکلف میشوند در این مدت تکلیف مودی را معین کنند البته بعضی از ادارات هستند که بموقع کار خودشان را میکنند ولی چون در قانون اصول محاکمات حقوقی هم نظارتش را دیده ایم که برای اقدام ادارات و محاکم حقوقی مدت خاصی معین شده مثلاً در محکمه ما هشتاد که خاصی تکلف است بعد از ختم محاکمه در ظرف پنج روز برای بنده البته اینها تشریقاتی است که تکلف میکند مأمورین را در مدت معین اقدامشان را بکنند حالا ممکن است يك ماه زیاد باشد ولی منظور این است که متخلفین مجبور باشند که پس از اینکه اظهارنامه داده شد در ظرف يك ماه تعیین تکلیف کند که زودتر تکلیف مودی معین شود اگر موافقت میفرمائید بنده پیشنهاد میکنم که این جمله علاوه شود

اعتبار (مخبر کمیسیون) - بنظر بنده این نظری را که آقای دکتر جوان دارند بهتر و مردم تمام میشود برای اینکه وقتی جمعیت در ظرف يك ماه اعتراض را قبول کند یا رد کند بنده خیال میکنم صدی نود را رد کند چون وسایل تحقیقات را از او میگیریم و البته مأمورین مالیه هم متخلف خودشان را از دست نمیدهند باید تحقیقات بیشتری بکنند و آنطرف هم بخواهند اصلاحی خودش را ثابت کند بنظر این اگر وقت و شیعهتری باشد مثلاً سه ماه باشد اصلاح مردم نرود کمتر

است ولی بنظر بنده اصلاحات که مدتی نداشته باشند بهتر است
رئیس - پیشنهاد آقای کاشف قرائت میشود :

(بشرح زیر خوانده شد)

اینجناب پیشنهاد مینماید که در آخر ماده ۷ بعد از عبارت (در محاسبه) جمله (یا تشخیص) اضافه شود.
رئیس - میفرستیم بکمیسیون. ماده هشتم :
(اینطور خوانده شد)

ماده ۸ - چنانچه مودی بتشخیص مالیه تسلیم نشود در ظرف مدت مقرر اعتراض دهد پس از دادن اعتراض موافقتی بین مودی و مالیه حاصل نگردد اعتراض بکمیسیون تشخیص مالیات بر درآمد ارجاع خواهد شد کمیسیون پس از تحقیقات لازمه رسیدگی کرده رأی خواهد داد

رای کمیسیون پس از ابلاغ بطرفین قطعی و لازم الاجراء است مگر در مواردی که مابه الاختلاف بین مالیات تشخیص شده از طرف کمیسیون و مبلغی که مورد تصدیق مودی است بیش از پنجاه هزار ریال باشد که در اینصورت طرفین می توانند در ظرف يك ماه از تاریخ ابلاغ رای کمیسیون بمحکمه تجدید نظر دیوان محاکمات مالیه مراجعه نمایند هرگاه مراجعه بمحاکمات مزبور از طرف مودی بعمل آید مشارالیه باید قبلاً وجه مابه الاختلاف را در صندوق مالیه بسپارد و یا ضامن معتبر بدهد

رئیس - آقای مؤید احمدی (اجازه)

مؤید احمدی - بنده خاطر هست که در کمیسیون مذاکره شد که باید يك چیزی را ودیعه بگذارد نه اینکه تمام مابه النزاع را ودیعه بگذارد گویا قرار شد ده يك را ودیعه بگذارد.

مخبر - بنده ضامن معتبر بدهد

مؤید احمدی - پس عبارت را اصلاح کنید

مخبر - اصلاح شده. درست ماده را ملاحظه بفرمائید می گوید هرگاه مراجعه بمحاکمات مزبور از طرف مودی بعمل آید مشارالیه باید قبلاً وجه مابه الاختلاف را در صندوق مالیه بسپارد و یا ضامن معتبر بدهد

مؤید احمدی - تماش را چرا ؟

مخبر - نوشته اگر پول ندارد ضامن بدهد.

مؤید احمدی - بسیار خوب.

رئیس - ماده نهم قرائت میشود

(ب عبارت زیر خوانده شد)

ماده ۹ - اگر وراثت در ظرف مدت مقرر در ماده ۶ از دادن اظهارنامه خودداری نماید مالیات رأساً از طرف مالیه طبق تحقیقاتی که بعمل خواهد آمد تعیین و به مودی ابلاغ میشود

اگر مودی در ظرف يك ماه از تاریخ ابلاغ بتشخیص مالیه اعتراض نداد مالیات تشخیص شده قطعی و وصول خواهد شد

در صورت دادن اعتراض طبق ماده (۸) عمل می شود.

رئیس - ماده دهم قرائت میشود :

(بشرح زیر خوانده شد)

ماده ۱۰ - مالیات نسبت بسهم الارث هر يك از وراثت گرفته خواهد شد. اگر سهم الارث هر يك از وراثت ۲۵ هزار ریال یا کمتر باشد از پرداخت مالیات معاف و در صورت تجاوز از این مبلغ طبق نرخهای ذیل مالیات اخذ خواهد شد:
الف - طبقه اول - از ۲۵ هزار و يك ریال تا ۷۵۰۰۰

ریال يك در صد نسبت بمازاد بیست و پنجاه هزار ریال از ۷۵۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال دو در صد نسبت بمازاد هفتاد و پنج هزار ریال

از ۱۵۰۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال سه در صد نسبت بمازاد صد و پنجاه هزار ریال

از ۳۰۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال چهار در صد نسبت بمازار سیصد هزار ریال

از پانصد هزار ریال بیلابیح در صد نسبت بمازاد پانصد هزار ریال

ب - طبقه دوم - از ۲۵ هزار و يك ریال تا ۷۵۰۰۰ ریال دو در صد نسبت بمازاد بیست و پنجاه هزار ریال

از ۷۵۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال چهار درصد نسبت بمآزاد هشتاد و پنج هزار ریال

از ۱۵۰۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال شش درصد نسبت بمآزاد صد و پنجاه هزار ریال

از ۳۰۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰۰۰ ریال هشت درصد نسبت بمآزاد سیصد هزار ریال

از پانصد هزار ریال بیلا ده درصد نسبت بمآزاد پانصد هزار ریال

ج - طبقه سوم و بالاتر - از ۲۵ هزار و یک ریال تا ۷۵۰۰۰ ریال سه درصد نسبت بمآزاد بیست و پنجهار ریال

از ۷۵۰۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰۰۰ ریال شش درصد نسبت بمآزاد هفتاد و پنج هزار ریال

از ۱۵۰۰۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال نه درصد نسبت بمآزاد صد و پنجاه هزار ریال

از ۳۰۰۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰۰۰ ریال دوازده درصد نسبت به مآزاد سیصد هزار ریال

از پانصد هزار ریال بیلا پانزده درصد نسبت بمآزاد پانصد هزار ریال

رئیس - آقای اعتصام زاده (اجازه)

اعتصام زاده - بنظر بنده در اینجا يك اشتباه مطبوعه باشد در قسمت ب طبقه دوم که مینویسد از ۷۵۰۰۱ ریال تا ۱۵۰۰۰۰۰ ریال چهار درصد نسبت بمآزاد هشتاد و پنج هزار ریال ظاهر آ ۸۵ هزار غلط است و هفتاد و پنج هزار ریال است.

غیر - صحیح است. اشتباه شده. اصلاح باید بشود.

رئیس - ماده پانزدهم:

(باین عبارت خوانده شد)

ماده ۱۱ - اداره مالیة صلاحیت دار برای اخذ مالیات ارث مالیه ای است که اقامتگاه قانونی متوفی در حوزه آن باشد و اگر متوفی در ایران مقیم نباشد اداره مالیة صلاحیت دار مالیه ای است که قسمت اعظم دارائی غیر منقول متوفی در حوزه آن واقع شده اگر متوفی در ایران مقیم نبوده و

اموال غیر منقول در ایران نداشته باشد مالیات در طهران پرداخت خواهد شد.

رئیس - ماده دوازدهم:

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۲ - هر کس که در ایران اقامتگاه قانونی دارد وارثی باو برسد اعم از اینکه ماترک در داخله یا خارجه باشد و هر کس که از ماترکی که در ایران است ارث ببرد اعم از اینکه ساکن ایران یا ساکن خارجه باشد مطابق این قانون مالیات بده است

رئیس - آقای اعتصام زاده (اجازه)

اعتصام زاده - بنده خواستم آقای وزیر مالیه در این باب يك توضیحی بفرمایند که اتباع خارجه هم شامل این قانون میشوند یا خیر؟

وزیر مالیه - البته مشمولند اعم از داخله و خارجه

رئیس - ماده سیزدهم:

(بباعت ذیل خوانده شد)

ماده ۱۳ - کلیه مأمورین دولتی و شهر داری که امور مربوط باموات را عهده دار هستند و کلیه پزشکانی که پروانه دهنده در ظرف يك هفته پس از فوت و وراثت قانونی در ظرف پانزده روز موظفند هویت کامل متوفی را بمالیه محل وقوع فوت اطلاع دهند

رئیس - آقای دکتر سمیعی

دکتر سمیعی - بنده در اینجا نظری داشتم و قبلا هم با آقای وزیر مالیه صحبت کردم اینجا يك وظیفه ای برای اطباء معین کرده اند اگر برای اطباء دولتی باشد البته ممکن است ولی برای کلیه اطباء این وظیفه را معین کردن چندان خوب نیست عرض می کنم اطباء که پروانه دهنده از این لحاظ است که معلوم شود فوت قطعی واقع شده است چون گاهی اتفاق می افتد مبتلایان در حین مرضشان دچار سگته می شوند و آثار ظاهری مرگ در آنها پیدا می شود این است که بایستی امتحانات کاملی بکنند و يك تصدیقی بدهند که واقعا مرده است و همچنین برای

بعضی از مسوومیت ها و این تصدیقی که اطباء میدهند از این لحاظ است يك پیشنهادی هم کرده ایم و چند نفر از آقایان اطباء موافقت فرموده اند که این جمله کلیه پزشکانی که پروانه دهنده می دهند از ماده حذف شود

مخیر - البته پیشنهادی که فرمودید می آید در کمیسیون ولی چه عیب دارد آقایان اطباء این وظیفه را هم در کشور انجام دهند.

دکتر سمیعی - این وظیفه که فرمودید عمل میکنند و آن پروانه دهنده است که میدهند.

مؤید احمدی - آقای کاشف هم همین پیشنهاد کرده اند که جمله پزشکانی که پروانه دهنده می دهند از ماده ۱۳ حذف شود

رئیس - پیشنهاد چند نفر از آقایان دکترها (بترتیب ذیل خوانده شد)

پیشنهاد مینمائیم در ماده ۱۳ قانون مالیات بر ارث عبارت (کلیه پزشکانی که پروانه دهنده می دهند) از ماده حذف شود

دکتر سمیعی - دکتر قزل باغ - دکتر تاج بخش - دکتر قاسم غنی - دکتر طاهری

رئیس - بکمیسیون رجوع می شود ماده چهاردهم (بباعت زیر خوانده شد)

ماده ۱۴ - ادارات ثبت اسناد و املاک موقعی که مال غیر منقولی را از اسم مورث باسم وارث ثبت می نمایند و همچنین کلیه دفاتر اسناد رسمی در موقعی که می خواهند تقسیم نامه راجع بماترک را ثبت کنند باید مطالبه گواهی نامه اداره مالیة صلاحیت دار را راجع باینکه وارث اظهار نامه داده است و در اظهار نامه مال مورد تقاضای ثبت یا مذکور در تقسیم نامه را ذکر کرده بنمایند و قبل از ارائه این گواهی مجاز ثبت نیستند

رئیس - پیشنهادی از آقای کاشف رسیده است (باینطور خوانده شد)

این عبارت اضافه کردن تبصره ذیل را بماده ۱۴ پیشنهاد مینمایند

تبصره - اداره مالیة صلاحیت دار تقسیم اظهار نامه از

طرف مودی گواهینامه متضمن رونوشت مصدق صورت ریز مایملک تسلیم شده را بتسلیم کننده بنسباید.

رئیس - ماده پانزدهم:

(باین مضمون خوانده شد)

ماده ۱۵ - کلیه بانکها و موسسات و اشخاص دیگر که مالی از متوفی در نزد خود دارند در صورتی می توانند مال مزبور را بوارث بدهند و همچنین کلیه شرکتها و موسسات در موقع ثبت اوراق بهادار اسمی از هر قبیل که باشد از اسم مورث باسم وارث در صورتی مجاز باین امر هستند که گواهی نامه اداره مالیة صلاحیت دار راجع باینکه وارث اظهار نامه داده و در اظهار نامه مال مورد بحث را ذکر کرده ارائه شود در صورت تخلف علاوه بر جرایم مقرر متضامنا با خود وارث مشمول مالیات متعلقه میباشند

رئیس - آقای اعتصام زاده

اعتصام زاده - در این ماده نوشته شده است اشخاصی که از متوفی نزد خود مالی دارند باید بدهند بوارث ولی اگر احيانا وارث خبر ندارد کسی مسالی را سپرده است پیش آدم امینی و گفته است که بعد از فوت من بوارث من بده و وارث هم اطلاع ندارد آنوقت چگونه بوارث که اطلاع ندارد و اظهار نامه نداده جریمه بدهد.

وزیر مالیه - جریمه ای برای او پیش بینی نشده است اگر مالی را انتقال بدهد و اطلاع ندهد آنوقت مشمول این جریمه خواهد شد و اگر کسی هنوز انتقال نداده یا وارثی که نمیداند جریمه برش تعلق نمیگیرد

رئیس - آقای دکتر سمیعی

دکتر سمیعی - اگر فوتی قبل از این واقع شده است ولی دلرایی آن شخص تاکنون بین وارث تقسیم نشده باشد و بعد از اجرای این قانون بخواهند دارائی او را تقسیم کنند آنوقت آیا مشمول این قانون خواهد بود یا نه؟

وزیر مالیه - ماده ۲۸ را اگر ملاحظه فرمائید مینویسد که این قانون بلا فاصله پس از تصویب اجرا خواهد شد

مؤید احمدی - صحیح است ماقبل مربوط باین نیست

رئیس - آقای عراقی

عراقی - آقای وزیر مالیه خیلی خلاصه فرمودند بنده برای توضیحش عرض میکنم قانون عطف بمسابق خودش نمیشود مگر اینکه در آن قانون يك ماده نوشته شده باشد که این قانون عطف بمسابق میشود اگر چنین ماده نباشد هر قانونی از روزی که اجراء میشود از آنروز نسبت با افراد شامل میشود. کسی که قبل از این قانون مرده مربوط باین قانون نیست.

رئیس - ماده شانزدهم :

(باین عبارت خوانده شد)

ماده ۱۶ - کلیه محاکم عدلیه که قانوناً بتقاضاهای انحصار وراثت رسیدگی مینمایند در صورتی مبادرت بصدور حکم انحصار وراثت خواهند کرد که گواهی نامه مذکور در ماده ۱۴ از طرف وراثت یا یکی از آنها بمحکمه تقدیم شود رونوشت حکمی که راجع بانحصار وراثت صادر میشود از طرف دفتر محکمه بداره مالیه محل فرستاده خواهد شد.

تبصره - در مواردیکه طبق کتاب پنجم جلد دوم قانون مدنی حکم فوت فرضی صادر میشود نیز دفتر محکمه باید رونوشت حکم را بداره مالیه محل بفرستد.

رئیس - آقای دکتر جوان

دکتر جوان - در این ماده اشکالی بنظر بنده میرسد و آن این است که در مواد قبل قرار شد در صورتیکه سهم الارث وراثت از ۲۵ هزار ریال کمتر باشد وراثت معاف از این مالیات باشد آنوقت نتیجه اش این میشود که چنین وراثتی اساساً نباید اظهار نامه بدهند بلکه اظهار نامه را باید وراثت بدهند که مشمول مالیات هستند ولی در این ماده مینویسد محاکم مکلفند حکم انحصار وراثت را ندهند تا وقتیکه گواهی نامه مذکور در ماده ۱۴ ارائه بدهند آنوقت باین وضعیت برای این اشخاص اشکال پیدا میشود اگر اشخاصی هم که معافند باید اظهار نامه بدهند که البته این ماده صحیح است ولی اگر نباید اظهار نامه بدهند آنوقت باید این ماده اصلاح شود

رئیس - آقای طباطبائی

محمد طباطبائی - عرض میکنم این ماده اول اینطور نوشته شده بود در صورتی تقاضای حصر وراثت را بجریان خواهند انداخت که مستدعی گواهی نامه مذکور در ماده ۱۴ را ضمیمه تقاضا نامه نمایند این را در کمیسیون که صحبت شد از آقای وزیر مالیه تقاضا کردیم که این ماده اصلاح شود و اینطور نوشته شود (در صورتی مبادرت بصدور حکم انحصار وراثت خواهند کرد) یعنی خود تقاضای حصر وراثت يك و وظیفه قانونی است که مبتلا به عامه است و نخواستیم که جلو انجام يك وظیفه قانونی گرفته شود و باینصورت اصلاح شده است حالا بنده پیشنهاد کردم ماده اینطور تنظیم شود: «در صورتی مبادرت بتسلیم گواهی نامه انحصار وراثت خواهند کرد» یعنی اولاً جلو صدور تصدیق انحصار وراثت گرفته نشود و ثانیاً فرق است بین حکم انحصار وراثت و تقاضای انحصار وراثت. یکفر مستدعی در بدو امر مطابق مقررات تقاضای حصر وراثت میکند تقاضای او را با ادله و اسناد امین صلح یا محاکم بدایت می پذیرند و بجریان میاندازند و در مجله رسمی یادری یکی از روز نامه ها در ظرف سه ماه سه نوبت منتشر میشود و اگر معترضی نبود که تصدیق انحصار وراثت صادر میشود و اگر معترضی بود و اعتراضی رسید مراجعه بمحکمه میشود و بعد از آنکه تشریفات قانونی انجام شد حکم صادر میشود بنظر بنده اگر حکم انحصار وراثت را تبدیل کنیم بگواهی نامه حصر وراثت نظر وزارت مالیه بهتر و بیشتر تأمین خواهد شد برای اینکه بموجب این قانون وقتی یکفر مستدعی تقاضای خود را بمحکمه تقدیم کرد و سه ماه بجریان افتاد و جریان قانونی خودش را طی کرد بموجب قانون محکمه تصدیق انحصار وراثت را صادر خواهد کرد و در صورتیکه معترض پیدا کرد و بمحکمه رفت بعد البته حکم را صادر خواهند نمود ولی بموجب این ماده جلوصدور حکم انحصار وراثت را خواهند گرفت از این نقطه نظر بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم که اولاً قید کنیم تسلیم گواهی نامه حصر وراثت. که جلو صدور حکم گرفته نشود و ثانیاً بجای حکم انحصار وراثت نوشته شود گواهی نامه حصر وراثت

مخیر - این قسمت که آقای طباطبائی فرمودند خودشان در کمیسیون تشریف داشتند و پیشنهاد کردند اینجا تقاضا برداشته شود و حکم نوشته شود و آن قسمتی که آقای دکتر جوان فرمودند این را باید متذکر شد که اصل دادن اظهار نامه است برای همه برای اینکه تا اظهار نامه داده نشود و مامورین مالیه رسیدگی نکنند نباید تصدیق حصر وراثت داده شود.

رئیس - ماده هفدهم قرائت میشود :

(بشرح ذیل خوانده شد)

فصل دوم - در نقل و انتقالات بلاعوض

ماده ۱۷ - اگر مالی اعم از منقول یا غیر منقول بلاعوض بشخصی داده شود طبق ماده (۱۰) این قانون مالیات تعلق میگیرد. دهنده و گیرنده متضامناً مسئول پرداخت مالیات متعلقه هستند

جهیزیه و وجوهی که برای امر خیریه و یا عام المنفعه از قبیل بیمارستان و کود کستان و پرورشگاه یتیمان و نظایر آن داده میشود از پرداخت مالیات معاف خواهد بود.

تبصره - صلح عباتی با شرط خیار فسخ برای مصالح از نظر این قانونی در حکم صلح قطعی است

رئیس - آقای مؤید احمدی (اجازه)

مؤید احمدی - بنده در کمیسیون قوانین مالیه هم حضور پیدا کردم و این موضوع را آنجا بعرض رساندم در قسمت نقل و انتقالات بلاعوض البته يك قسمت عادلانه است که شخصی مالش را که بلاعوض بدیگری میدهد البته باید يك چیزی هم بدولت بدهند خیلی هم عادلانه است اما در قسمت صلح عباتی و خیار فسخ استدعای حکم درست توجه بفرمائید بعرض بنده. يك کسی مالش را صلح کرده است با اولادش یا بغیر فرق نمی کند خیار فسخ گذارده و شرط هم کرده که مادام الحیوة محصولش مال خودش باشد این چه کیش آمده است که مالیات بدهد مگر چنین الفت البته آن موقع باید بدهد ولی مادامی که ملک در تصرف خود اوست خیار فسخ هم دارد چیزی گیر متصلح نیامده که مالیات بدهد این بنظر بنده عادلانه نیست مگر اینکه در تبصره

بنویسیم چون محصول باو داده است باید بدهد اگر اینجا بنویسیم صلح عباتی با شرط خیار فسخ که مادام العمر محصول مال خود اوست و استثناء کنیم در این صورت بنده حرفی ندارم ولی بنده پیشنهاد کردم در کمیسیون هم مطرح کنیم آن کسی که محصول بهش نرسیده چرا مالیات بدهد.

وزیر مالیه - راجع بصلح عباتی در کمیسیون هم این موضوع مطرح شد و بنده در آنجا هم توضیحات عرض کردم البته این شخصی که میآید و میآید را صلح می کند روی يك مصلحتی است بالاخره مجبور که نبوده است لابد یکجتهی داشته است خواسته است بین ورثه يك نفاقی نباشد یا اینکه یکی بیشتر داده باشد خوب يك مصلحتی داشته و این متضمن يك خرجی است برای این آدم باید برود ثبت اسناد و تعبر کند ضمناً یکی از غارچش هم این است که این انتقال يك مالیاتی باید بدهد یکفرض دیگرش هم این است که بطوری که آقا فرمودند ما از ش مالیات نگیریم مگر ما چقدر می گیریم. رفته است انتقال داده است با خیار فسخ در مدت پنج سال یا ده سال وزارت مالیه باید يك پرونده نگاه دارد نسبت بهر انتقالی که با خیار فسخ است و آنوقت نگاه کند در آن مدت معین پنج سال یا ده سال ببیند در این مدت این آدم فوت کرده یا نه یا از خیار فسخ خودش استفاده کرده یا نکرده آنوقت مالیاتش را بگیرد در صورتی که آن آدم که می رود و این سند را درست می کند یکی از غارچش را هم این مالیات را باید فرض کند و بپردازد. کار اجباری هم نیست شخصی صلح عباتی بمیل خودش می کند وقتی خواست این کار را بکند فکرش را هم می کند که این کار مستلزم يك خرجی است و چاره هم نیست جز اینکه نسبت بصلح عباتی هم ما مالیات بگیریم البته شخصی که چیزی نگرفته چیزی نخواهد داد ولی کسی که حاضر شده يك خانه را فرض بفرمائید بکسی بدهد پنج شش تومان هم ضمناً مالیاتش را میپردازد.

رئیس - چون یکی از سفراء بدیدن من آمده و از این قانون هم چندان چیزی باقی نمانده است آقای بیات مجلس

را ادامه میدهد تا آنکه پانزدهم فروردین تمام شود. (در این موقع آقای رئیس از مجلس خارج و آقای تیلک ناایب رئیس بجای ایشان بطور منظم نمودند)

نایب رئیس - پیشنهادی را جمع به ماده پانزدهم رسانیدم قرائت میشود:

(بمضمون زیر خوانده شد)

این بنده پیشنهاد مینمایم در آخر ماده ۱۵ قید شود «هر وقت وزارت برای اتخاذ گواهی نامه بطایفه رجوع کردند مالیه مکلف است گواهی نامه بدهد» و کتبی **ملک مدنی** - اجازه فرمائید

نایب رئیس - در ماده هفدهم چون پیشنهاد قرائت شد دیگر مذاکره نمیشود. آقای ملک مدنی (اجازه)

ملک مدنی - يك ابهامی در ماده هفدهم بود که بنده میخواستم آقای وزیر مالیه توضیح بدهند راجع باین جمله «جهیزیه و وجوهی که برای امور خیریه و یا عام المنفعه از قبیل بیمارستان و کودکستان و پرورشگاه یتیمان و نظایر آن داده میشود از پرداخت مالیات معاف خواهد بود» چون اسم برده نشده است خواستم توضیحی فرمایند که اگر ملکی هم برای امور بیمارستان و خیریه تخصیص داده شود آن هم از پرداخت مالیات معاف است البته همینطور است ولی چون يك قدری روشن نبود خواستم توضیحی فرمایند **وزیر مالیه** - البته اینجا که نوشته شده وجوهی است که برای امور خیریه و غیره بدهی است اگر ملکی هم داده باشد مشمول خواهد بود.

نایب رئیس - ماده هجدهم قرائت میشود:

(باین عبارت خوانده شد)

ماده ۱۸ - هر مالی که مورد وقف یا وقف یا اجاره یا وصیت واقع بشود مشمول مالیات است با استثنای مواردی که برای امور عام المنفعه نام برده در ماده قبل باشد. مالیات در این قبیل موارد طبق بند ۲۰ این قانون گرفته خواهد شد

بود که با فوت موصی وضعیت قطعی شده باشد.

نایب رئیس - ماده خورد هم:

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۱۹ - در مورد صلح طرفین معامله و در مورد وقف واقف و متولی مستطاباً و در مورد وصیت وصی و در مورد حبس و نذر حبس و نذر کفنه مسئول پرداخت مالیات هستند. در مورد صلح در ظرف يك ماه از تاریخ معامله و در مورد وقف و حبس و نذر در ظرف يك ماه از تاریخ اطلاع و در مورد وصیت در ظرف يك ماه پس از فوت موصی مکلفین باید اظهار نامه که حاوی کلیه اطلاعات لازمه برای وصول مالیات باشد بداره مالیه تسلیم نمایند.

نایب رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود:

(اینطور خوانده شد)

اینجانب پیشنهاد مینماید که در ماده ۱۹ مدت یکماه بدو ماه تبدیل و قبل از کلمه فوت (انتشار یا اطلاع) اضافه شود کاشف

نایب رئیس - ماده بیستم قرائت میشود:

(باعتبار زیر خوانده شد)

ماده ۲۰ - مقررات مواد ۷ و ۸ و ۹ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ در مورد مکلفین ماده ۱۹ نیز قابل اجرا است.

نایب رئیس - ماده بیست و یکم:

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۲۱ - شاهنشاه و ملکه و اعقاب بلا فصل شاهنشاه از پرداخت مالیات نام برده در این قانون معافند

نایب رئیس - آقای اعتصام زاده (اجازه)

اعتصام زاده - بنده يك پیشنهاد اصلاحی داشتم در این ماده. چون اول عنوان قانون مالیات بر ارث بود بعد مالیات بر ارث و انتقالات بلا توضیح شد لذا برای اینکه روشن باشد بنده پیشنهاد کردم بجای مالیات نام برده مالیاتهای نام برده خوشه شود.

وزیر مالیه - بسیار خوب قبول میکنم

نایب رئیس - پس پیشنهاد ایشان قرائت میشود:

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۱ عبارت «مالیات نام برده» به عبارت «مالیتهای نام برده» تبدیل شود اعتصام زاده

نایب رئیس - ماده ۲۲ قرائت میشود:

(بترتیب ذیل خوانده شد)

فصل سوم - مقررات عمومی

ماده ۲۲ - مالیات باید در مورد ارث در ظرف شش ماه پس از تاریخ تسلیم اظهار نامه و در مورد فصل دوم این قانون در موقع تسلیم اظهار نامه پرداخت شود مگر در مواردیکه مؤدی عذر موجه داشته و با اقامه ادله کافی و در موارد لزوم ارائه اسناد عذر خود را ثابت نماید در اینصورت وزارت مالیه میتواند مدت پرداخت مالیات را تمدید کند

نایب رئیس - ماده ۲۳:

(باین مضمون خوانده شد)

ماده ۲۳ - وزارت مالیه مجاز است برای تشخیص و بازرسی و وصول مالیات در حدود این قانون نظامنامه هائی وضع نماید.

نایب رئیس - ماده ۲۴:

(به عبارت زیر قرائت شد)

ماده ۲۴ - متخلفین از مقررات این قانون ملزم بپرداخت جرائم خواهند بود که حد اکثر آن هزار ریال یا دو برابر مالیات پرداخت نشده خواهد بود.

نظامنامه جرائم بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی خواهد رسید.

نایب رئیس - پیشنهادی رسیده قرائت میشود:

(بترتیب ذیل خوانده شد)

اصلاح قهره اخیر ماده ۲۴ را بقرار ذیل پیشنهاد مینمایم:

ماده ۲۴ - متخلفین از مقررات این قانون ملزم به پرداخت جرائم خواهند بود که نظامنامه آن بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی خواهد رسید. مرتضی امین

نایب رئیس - ماده بیست و پنجم:

(بمضمون ذیل خوانده شد)

ماده ۲۵ - هرگاه اشخاصی که طبق این قانون مکلف به دادن اظهار نامه یا مالیات هستند صغیر یا محجور باشند ولی

یا قیم قانونی آنها و اگر شخص حقوقی باشد مدیر یا مدیران مؤسسه مسئول هستند.

نایب رئیس - ماده ۲۶:

(بشرح ذیل خوانده شد)

ماده ۲۶ - در مواردی که مشمولین این قانون در تأدیه مالیات خود رویا مالیاتی که مسئولیت پرداخت آن طبق این قانون بعهده آنها است تأخیر نمایند نسبت بهر ماه تأخیر ملزم بپرداخت خسارتی معادل يك و نیم درصد مالیات متعلقه خواهند بود.

نایب رئیس - پیشنهادی رسیده است قرائت میشود:

(باعتبار ذیل خوانده شد)

این جانب پیشنهاد مینماید در ماده ۲۶ بجای يك و نیم در صد يك درصد مقرر گردد کاشف

نایب رئیس - ماده ۲۷ قرائت میشود:

ماده ۲۷ - اعضاء و مستخدمین وزارت مالیه و اعضاء کمیسیونهای تشخیص و همچنین سایر اشخاصی که مأمور اجرای این قانون هستند مکلفند اطلاعاتی را که از دارائی اشخاص در نتیجه ماموریت تحصیل کرده اند بکلی محرمانه نگاه دارند مگر در مواردی که وظیفه شغلی آنها دادن اطلاعات نام برده را ایجاب نماید.

متخلف مطابق ماده ۲۲۰ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد.

نایب رئیس - ماده بیست و هشتم:

ماده ۲۸ - این قانون بلا فاصله پس از تصویب اجراء خواهد شد.

نایب رئیس - رأی میگیریم برای ورود در شور دوم آقایانیکه موافقت اظهار موافقت میکنند (اغلب برخاستند) تصویب شد.

[۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه]

نایب رئیس - چنانچه آقایان موافقت جلسه را ختم کنیم (صحیح است) جلسه آتی روز یکشنبه شانزدهم آبان ماه سه ساعت بعد از ظهر دستور لوابیح موجوده خواهد بود (مجلس بیست دقیقه بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری